

دکتر گری یتس، کتاب دوازدهم، جلسه دهم، عاموس، رؤیاهای داوری و وعده بازگشت، عاموس ۷-۹

گری یتس و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر گری یتس در مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد پیامبران کوچک است. این جلسه دهم، رؤیاهای داوری و وعده بازگشت، عاموس ۷-۹ است.

بخش سوم و پایانی کتاب عاموس در فصل‌های ۷ تا ۹ عاموس یافت می‌شود. اجازه دهید ساختار کلی و پیام کتاب را به شما یادآوری کنم. کتاب با غرش خداوند از صهیون مانند شیر و غرش طوفان آغاز می‌شود.

او قرار است در داوری ظاهر شود. در فصل‌های ۱ و ۲، خدا قرار است ملت‌ها را داوری کند. نکته‌ی شگفت‌انگیز این بود که ملت‌ها شامل یهودا و اسرائیل می‌شدند که قوم خدا بودند.

جایگاه آنها به عنوان قوم برگزیده خدا، آنها را از این گناه معاف نمی‌کرد. ملت‌های زمین با جنایات خود، با خشونت خود، با گناهان اجتماعی خود علیه سایر مردمان، عهد نوح را نقض کرده بودند. اسرائیل و یهودا فرامین خدا را که در شریعت موسی و عهد موسی آمده بود، زیر پا گذاشته بودند.

اما همه این ملت‌ها مرتکب گناه یا پاشا شده بودند. آنها شورش کرده و عهد را نقض کرده بودند. در فصل‌های ۳ تا ۶، بخش دوم کتاب را داریم و در آن توضیح داده شده است که چرا خدا قرار است قوم خود اسرائیل را داوری کند.

این کتاب درباره ماهیت داوری، دلایل داوری و وسعت آن صحبت می‌کند. همچنین تمرکز قابل توجهی بر گناهان اجتماعی اسرائیل، بی‌عدالتی آنها و این واقعیت که پرستش آنها نسبت به خدا ریاکارانه است، وجود دارد. در همان ابتدای مطالعه خود درباره عاموس، دیدیم که سه نگرانی عمده در موعظه‌های او وجود دارد.

این هشدار است برای افرادی که در ثروت خود سهل‌انگار هستند، هشدار است برای افرادی که عدالت را رعایت نمی‌کنند، و هشدار است برای افرادی که به دنبال عبادت هستند. این جزئیات در فصل‌های ۳ تا ۶ برای ما شرح داده شده و به تفصیل شرح داده شده است. در بحبوحه داوری و هشدار فاجعه نظامی و ۶ شکستی که بر اسرائیل نازل خواهد شد، دعوت به توبه نیز وجود دارد. خدا را بجوید و زنده بمانید.

هنوز برای معاف شدن اسرائیل از داوری دیر نشده است. همانطور که به فصل‌های ۷ تا ۹، یعنی بخش سوم کتاب، می‌رویم، دوباره با پیام بی‌رحمانه‌ی داوری مواجه خواهیم شد. این ویژگی، ویژگی کل کتاب عاموس است.

خدا شیر غران و طوفان سهمگین است. این پیام داوری در این بخش خاص از کتاب، به شیوه‌ای متفاوت، روشی متضاد برای کمک به مردم تا جدیت و ماهیت شوم آنچه که قرار است برایشان اتفاق بیفتد را ببینند، این است که این پیام داوری در مجموعه‌ای از پنج رؤیا منتقل می‌شود. پیامبران، پیام‌آوران خدا بودند.

خداوند چنین می‌گوید، آنها سخن می‌گفتند، اما اغلب، روشی که خداوند این پیام‌ها را به پیامبران آشکار می‌کرد، دیدن رؤیاها بود. اغلب، این رؤیاها به صورت نمادین نمایانگر آنچه خدا قصد انجام آن را داشت و آنچه خدا قصد داشت در آینده انجام دهد، بودند. سپس پیامبر، به نظر من، به روشی که پیام داوری را

واضح‌تر، واقعی‌تر و چشمگیرتر می‌کرد، اغلب این رؤیاهای را برای مردم توضیح می‌داد و به آنها کمک می‌کرد تا اهمیت آن، یعنی نمادگرایی موجود در آن را درک کنند.

ما مجموعه‌ای از پنج رؤیای داوری را در عاموس، فصل‌های ۷ تا ۹ داریم. در نهایت، در پایان کتاب، همه پیامبران، پیام‌آوران داوری و نجات بودند. در نهایت، در پایان کتاب، در عاموس فصل ۹، آیات ۱۱ تا ۱۵ سرانجام وعده احیا و امید برای آینده اسرائیل را داریم. به نوعی، وقتی به مجموعه کتب نبوی در عهد عتیق نگاه می‌کنیم، عاموس یکی از سرسخت‌ترین پیامبران داوری است.

اما حتی در پایان این کتاب، در مورد ۹۰٪ از مردم که در داوری ربوده می‌شوند یا می‌میرند، صحبت شده است، اسرائیل مانند بره از دهان شیر بیرون کشیده می‌شود، جایی که چیزی جز یک گوش و یک دم و کمی پا باقی نمی‌ماند. حتی در کتابی که داوری آنقدر شدید و سخت است، در پایان وعده‌ای وجود دارد که در نهایت، خدا آنها را احیا خواهد کرد. ما قصد داریم به آن قسمت در فصل ۹، آیات ۱۱ تا ۱۵ نگاه کنیم و سعی کنیم پیام آخرالزمانی انبیا را بهتر درک کنیم. امیدی که آنها به اسرائیل می‌دادند چه بود؟ و سپس چگونه این امید درک و توسعه می‌یابد، همانطور که وحی گسترده‌تر و وحی کامل‌تری را که در عهد جدید به ما داده شده است، می‌بینیم؟ اول از همه، در عاموس ۷-۹، بیایید به پنج رؤیای داوری نگاه کنیم.

می‌خواهم سعی کنم هر یک از این رؤیاهای، نماد آنها و آنچه را که منتقل می‌کنند، توضیح دهم. در فصل ۷، عاموس می‌گوید: «این چیزی است که خداوند به من نشان داد. اینک، او در حال شکل دادن به ملخ‌ها بود.» در حالی که ملخ‌ها تازه شروع به جوانه زدن کرده بودند

، و اینک، این آخرین رویش پس از چمن‌زنی پادشاه بود. هنگامی که آنها از خوردن علف‌های زمین فارغ شدند، گفتم: ای خداوند، خدایا، لطفاً یعقوب را ببخش. او چگونه می‌تواند بایستد؟ او بسیار کوچک است.

خداوند متعال از این امر منصرف شد. خداوند فرمود: چنین نخواهد شد. اولین رؤیایی که در عاموس ۷:۳ داریم این است که عاموس رؤیایی از هجوم ملخ‌ها به سرزمین اسرائیل دید.

این چیزی است که معمولاً در این بخش از خاور نزدیک باستان اتفاق می‌افتاد. این چیزی است که هنوز هم در آن بخش از جهان امروز اتفاق می‌افتد. در تثنیه ۲۸، هجوم ملخ‌هایی که محصولات کشاورزی را می‌خوردند، یکی از نفرین‌های عهدی بود که خداوند ذکر کرده بود که علیه مردم خواهد فرستاد.

در فصل ۴، آنها این را در گذشته‌ی نزدیک تجربه کرده بودند. و بنابراین، عاموس رویایی می‌بیند. حالا که این آفت ملخ قرار است به طور کامل در سراسر سرزمین هجوم بیاورد و آن را کاملاً ویران کند.

و در نتیجه این، عاموس نقش یک شفاعت‌کننده را ایفا می‌کند. او برای مردم شفاعت می‌کند و می‌گوید خدایا، آیا متوجه هستی که ملت اسرائیل آنقدر کوچک است که نمی‌تواند از ویرانی کشاورزی و اقتصادی مانند این آفت ملخ جان سالم به در ببرد؟ نکته شگفت‌انگیز این است که خدای عهد عتیق، که اغلب به عنوان خدایی خشمگین، انتقام‌جو و غضبناک به تصویر کشیده می‌شود، به دعا‌های عاموس پاسخ می‌دهد.

و می‌گوید که خداوند خدا منصرف شد. به عبارت دیگر، او نظرش را عوض کرد. و وقتی به میکاه نبی می‌رسیم، روی این موضوع تمرکز خواهیم کرد.

اما در اینجا ما صبر خدا، رحمت خدا را می‌بینیم. به یاد داشته باشید که در عهد، خدا در خروج فصل ۳۴ آیه ۶ گفت که او خدای دلسوز و مهربان است. به طور خاص، بخشی از این دلسوزی شامل تمایل به بخشش گناهان است و او دیرخشم است.

اصطلاح عبری این است که او بینی درازی دارد. به عبارت دیگر، وقتی به بینی فکر می‌کنید، وقتی کسی عصبانی است و آماده انفجار خشم است، سوراخ‌های بینی‌اش گشاد می‌شوند یا قرمز می‌شوند. خدا در انجام این کار کند است.

و اگرچه این داوری که عاموس درباره آن هشدار می‌دهد، وحشتناک، مهیب و قابل توجه خواهد بود، اما مردم باید برای آن آماده باشند. خداوند همچنین نشان می‌دهد که به طرق مختلف، به مردم فرصت‌های متعددی برای توبه می‌دهد. ما حتی در عهد عتیق می‌بینیم که همانطور که خدا برای داوری اسرائیل و یهودا آماده می‌شود، دائماً مهلت‌ها را تغییر می‌دهد.

سیاستمداران وقتی نمی‌توانند کارها را به موقع انجام دهند، از مهلت‌های انعطاف‌پذیر صحبت می‌کنند. اما خدا مهلت‌های انعطاف‌پذیری داشت زیرا به مردم فرصت‌های بیشتری برای توبه می‌داد. بنابراین وقتی پیامبر دعا می‌کند، خدا منصرف می‌شود و داوری نمی‌کند.

خداوند در اینجا، در پایان تاریخ اسرائیل، به گونه‌ای عمل می‌کند که با نحوه‌ی عمل او در آغاز تاریخ اسرائیل سازگار است. در خروج فصل ۳۲، پس از گناهی که اسرائیل در آن گوساله‌ی طلایی را پرستش کرد و به عهد خود علیه خداوند خیانت ورزید، در همان آغاز این رابطه، خداوند به موسی گفت: «عقب بایست؛ من این قوم را نابود خواهم کرد؛ من با تو از نو شروع خواهم کرد.» در این بحبوحه، موسی، به عنوان یک پیامبر، برای قوم خود شفاعت کرد.

او گفت، خداوند، مصریان وقتی بشنوند که تو قوم خود را نابود کرده‌ای چه خواهند گفت؟ در نتیجه، ما همان زبانی را داریم که اینجا در عاموس استفاده شده است. خدا منصرف می‌شود. او نظرش را عوض می‌کند.

او داوری را نمی‌فرستد و قوم اسرائیل به همین دلیل نجات می‌یابند. همین اتفاق در مورد پاسخ خداوند به گزارش جاسوسان در اعداد ۱۴ نیز رخ می‌دهد. وقتی مردم به حرف اکثر جاسوسان گوش می‌دهند، از رفتن به سرزمین خود امتناع می‌کنند.

خدا تصمیم می‌گیرد که قوم خود را داوری کند، او آنها را نابود خواهد کرد. موسی دوباره شفاعت می‌کند و خدا از فرستادن داوری منصرف می‌شود. سموئیل نبی به ما یادآوری می‌کند که نقش پیامبران شفاعت برای قوم اسرائیل بود.

وقتی آنها با درخواست پادشاه علیه خدا گناه می‌کنند و خداوند این رعد و برق چشمگیر را در زمانی که انتظار نمی‌رود در سرزمین اسرائیل چنین چیزی رخ دهد، می‌فرستد، مردم متوجه می‌شوند که خدا از آنها خشمگین است و از سموئیل التماس و استدعا می‌کنند که به شفاعت برای آنها ادامه دهد تا خداوند آنها را نابود نکند. سموئیل می‌گوید خدا نکند که من با عدم دعا برای قومم گناه کنم. پیامبران امروز نمونه‌ای عالی برای کشیشان هستند و یکی از نقش‌های ما به عنوان مردان خدا این است که برای مردمی که تحت مراقبت ما هستند و مردمی که به آنها خدمت می‌کنیم، شفاعت کنیم.

من فکر می‌کنم این در مورد هر مرد یا زنی که مسئولیت کشیشی به او سپرده شده است، صادق است. ما باید برای کسانی که تحت مراقبت ما هستند و به آنها خدمت می‌کنیم، شفاعت کنیم. یکی از راه‌های مهمی که خدا مردم یهودا را داوری می‌کند این است که پس از زمان عاموس، وقتی به جایی می‌رسد که خدا تصمیم گرفته است که قوم خود را داوری کند، آنها از داوری که خدا علیه آنها خواهد فرستاد، اجتناب نخواهند کرد، آنها از آن جلوگیری نخواهند کرد.

خداوند به ارمیا می‌گوید، برای این مردم شفاعت نکن. برای این مردم دعا نکن. این یک داوری مهم است زیرا شفاعت پیامبران بود که در نهایت اغلب مردم را از خشم و غضب خدا رهایی می‌بخشید.

خداوند حتی به ارمیا می‌گوید، حتی اگر موسی و سموئیل شفیعان بزرگی بودند که اسرائیل در گذشته داشته است، حتی اگر آنها برای این مردم شفاعت می‌کردند، من به آن دعاها گوش نمی‌دادم. با این حال، در این برهه از خدمت عاموس و در زندگی ملت اسرائیل، خداوند هنوز مایل است آنها را از داوری نجات دهد و در پاسخ به شفاعت پیامبر، خداوند نظر خود را تغییر می‌دهد و داوری را که در ابتدا برنامه‌ریزی کرده بود، نازل نمی‌کند. من فکر می‌کنم که با پرداختن به این موضوع در زمان‌های بعدی تاریخ یهودا از زبان حزقیال نبی دقیقاً عکس آنچه در اینجا در مورد آن صحبت می‌شود را می‌بینیم، زیرا این آیه را در حزقیال فصل ۲۲ آیه ۳۰ می‌خوانیم.

در آنجا می‌گوید، من در میان آنها مردی را جستجو کردم که دیوار را بسازد و در شکاف برای زمین در برابر من بایستد تا آن را ویران نکنم، اما کسی را نیافتم. یکی از دلایلی که خداوند در نهایت داوری تبعیدیان بابلی را به ارمغان می‌آورد، او به دنبال یک عاموس، یک موسی، یک سموئیل بود که برخیزد و شاید برای مردم شفاعت کند یا آنها را به توبه دعوت کند. هیچ کس آنجا نبود.

در نتیجه، خدا در نهایت مجبور به داوری شد. اگر به جایی برسیم که فکر کنیم دعاها، اعمال، کلمات و توبه یک فرد در نهایت اهمیتی ندارند، این مثال‌ها را در سراسر عهد عتیق پراکنده داریم که در آنها یک نفر دعا کرد و در نهایت، یک ملت از داوری رهایی یافت. من به عنوان یک مسیحی، در یک خانه مسیحی بزرگ شدم و می‌دانم که پدرم مرد دعا است.

من اغلب به این فکر می‌کنم که دعاها آن مرد چه تأثیری بر زندگی و خدمت من داشته است؟ چه تأثیری بر نوه‌هایش داشته است، زیرا او برای فرزندان من دعا کرده است؟ من از این بابت سپاسگزارم. خدا به دعاها افراد مجرد گوش می‌دهد. خداوند به دعای عاموس گوش داد.

رویایی از هجوم ملخ‌ها وجود دارد. خدا پشیمان می‌شود. در اینجا پنج رویای داوری وجود دارد.

باز هم، یادآوری دیگری از تمایل خدا برای رهایی مردم از داوری وجود دارد. ما همین را در رؤیای دوم می‌بینیم. فصل ۷، آیه ۴. این چیزی است که خداوند خدا به من نشان داد.

بنگرید، خداوند خدا داوری با آتش را فراخواند. آتش ژرفای عظیم را فرو بلعید و زمین را بلعید. در اینجا داوری به تصویر کشیده شده است، رویایی از آتشی که قرار است زمین را در بر بگیرد.

اگر تا به حال آتش‌سوزی جنگل را دیده باشید، از قدرت مخرب آن آگاه هستید. در فصل‌های ۱ و ۲، وقتی خداوند از داوری ملت‌ها سخن می‌گوید، می‌گوید: «من آتشی بر دیوارهای این شهرهای مختلف خواهم فرستاد.» خب، حالا آن آتش دارد سرزمین اسرائیل را می‌سوزاند.

عاموس، حتی بیشتر از آفت ملخ، متوجه می‌شود که این چیزی است که اسرائیل نمی‌تواند از آن جان سالم به در ببرد. او به خدا فریاد می‌زند. او می‌گوید، خدایا، لطفاً بس کن.

یعقوب خیلی کوچک است. آنها چگونه می‌توانند در برابر این هجوم داوری مقاومت کنند؟ دوباره، خدا منصرف می‌شود. بار دوم، خدا دو بار مایل است که مردم این سرزمین را ببخشد.

اما آنچه در رؤیاهای بعدی خواهیم دید، پس از رؤیاهای ۱ و ۲، در رؤیاهای ۳، ۴ و ۵، داوری غیرقابل بازگشت شده است. من فکر می‌کنم همیشه نقطه‌ای در زندگی قوم خدا وجود داشته است. این اتفاق در اسرائیل زودتر از یهودا رخ داده است، جایی که این مهلت‌های انعطاف‌پذیر وجود داشت که در آن خدا به آنها فرصت توبه می‌داد، اما در نهایت نقطه‌ای وجود داشت که خدا گفت دیگر بس است. صبر خدا، شفقت خدا و کندی خشم خدا، حتی این هم حدی دارد.

ما در اینجا حرکت از داوری احتمالی که می‌توان از آن جلوگیری کرد به داوری اجتناب‌ناپذیری که ناگزیر اتفاق خواهد افتاد را می‌بینیم. این اتفاق در این رؤیاهای نیز رخ می‌دهد. سومین سخنرانی داوری، رؤیای خط شاقول است که در فصل ۷، آیات ۷ تا ۹ به ما داده شده است. این رؤیا این است

عاموس این را به صورت بصری می‌بیند و سپس این تصویر و تصور را برای مردم توضیح می‌دهد: «اینک، من «شاقولی در میان قوم خود، اسرائیل، قرار می‌دهم. دیگر هرگز از آنها عبور نخواهم کرد»

مکان‌های بلند اسحاق ویران خواهند شد، معابد اسرائیل ویران خواهند شد، و من با شمشیر بر خاندان یربعام حمله خواهم کرد. اکنون، داوری که خدا از آن منصرف می‌شود، مکان‌های بلند ویران خواهند شد معابد ویران خواهند شد، خاندان یربعام، من شمشیر را بر آن خواهم آورد. چیزهایی که اسرائیل برای تأمین امنیت خود به غیر از خدا و داشتن رابطه صحیح با او، به آنها اعتماد داشت، معابد و رهبران‌شان، و این چیزها هدف داوری خدا قرار می‌گیرند.

دلیل این امر این است که خداوند در میان مردم، خط شاقولی علیه قوم خود قرار می‌دهد و آنها مطابق با معیارهای شریعت و عدالت خداوند عمل نمی‌کنند. حال، این برداشت سنتی از رؤیایی است که در اینجا ارائه را با کلمه خط شاقول داریم anak شده است. ما ترجمه این کلمه

شاقول، ریسمانی یا طنابی است که در انتهای آن وزنه ای قرار دارد. هدف از شاقول این است که از این خط اندازه‌گیری برای اندازه‌گیری صافی دیوار استفاده شود. بنابراین، وقتی شاقول توسط سازنده پایین آورده می‌شود، سازنده می‌تواند تشخیص دهد که آیا این دیوار صاف است یا خیر. آیا ایمن است؟ اگر کج باشد، اگر خیلی صاف نباشد، در نهایت می‌توان آن را تخریب کرد.

آن دیوار زیر وزن خودش فرو خواهد ریخت. این اتفاق است که برای اسرائیل افتاده است. خداوند معیار عدالت و شریعت خود را قرار می‌دهد.

خدا گفته بود که باید با همسایه‌ات عدالت را رعایت کنی. نباید مشتت را سفت ببندی. باید با همسایه‌ات دست باز داشته باشی.

وقتی اسرائیل این کار را نکرده و وقتی آنها طبق معیارهای شریعت خدا زندگی نکرده‌اند، دیوار نباید سوراخ شود و در نهایت، آن دیوار فرو خواهد ریخت. خدا آن دیوار را خراب خواهد کرد زیرا این آن چیزی نیست که او برای آن طراحی کرده است. نمی‌تواند وظیفه‌ای را که برای آن طراحی شده بود، انجام دهد.

یک دیوار کج در نهایت امن نیست و قرار نیست محافظتی ایجاد کند. جالب اینجاست که چیزی که به طور معمول استفاده می‌شود، مثلاً ما به عنوان شاقول فکر می‌کنیم، برای ساختمان‌سازی و ساخت چیزی استفاده می‌شود. شاقول در اینجا به تصویری از چیزی تبدیل می‌شود که قرار است تخریب شود.

نوعی استفاده طعنه آمیز از این تصویر خاص وجود دارد. با این حال، برخی سوالات تفسیری نیز در مورد این متن خاص وجود دارد. کلمه «عنک» که در اینجا استفاده شده است، تنها جایی است که این کلمه خاص در عهد عتیق ظاهر می‌شود.

برای kav است. کلمه kav کلمه‌ای که معمولاً برای خط اندازه‌گیری یا شاقول استفاده می‌شود، کلمه عبری خط اندازه‌گیری در متونی مانند دوم پادشاهان، فصل ۲۱، آیه ۱۳ به کار رفته است. این واقعیت که این کلمه در اینجا استفاده نشده است، سولاتی را در ذهن مفسران ایجاد کرده است.

آنها بحث کرده‌اند که آیا این متن می‌تواند معنای متفاوتی از آنچه به طور سنتی به آن داده شده است باز هم، گاهی اوقات برای anak داشته باشد؟ تفسیری جایگزین بر اساس شواهد هم‌ریشه برای این کلمه ما مشکل‌ساز می‌شود وقتی سعی می‌کنیم معنای کلمات را در عهد عتیق تعیین کنیم، زمانی که آنها فقط یک یا دو بار یا تعداد انگشت‌شماری بار استفاده شده‌اند. بر اساس شواهد هم‌ریشه از زبان اکدی، کلمه قرصی مرتبط است به معنای قلع است anak اکدی که با

اینکه این رؤیا چه معنایی می‌تواند داشته باشد، می‌توانیم دیدگاه سنتی را داشته باشیم، و من فکر می‌کنم این احتمالاً بهترین تفسیری است که می‌توانیم به آن مراجعه کنیم، مگر اینکه چیزی پیدا کنیم که این موضوع را بهتر توضیح دهد. اما این ایده که خدا دیوارهای اسرائیل را از قلع ساخته است، و اینکه دیوارهایی که برای محافظت از اسرائیل طراحی شده‌اند از این ماده ارزان ساخته شده‌اند، ممکن است آسیب‌پذیری آنها را در برابر حمله دشمنی که قرار است آنها را محاصره کند، بیان کند. آنها فکر می‌کنند که آنها مکان‌های مرتفعی هستند.

آنها فکر می‌کنند که آنها پناهگاه هستند. آنها فکر می‌کنند که خانه‌ی یربعام، آنها فکر می‌کنند که این چیزی است که آن را امن می‌کند. با این حال، در نهایت، آن دیوارها چیزی بیش از قلع نیستند.

عکس این را در ارمیا ۱، آیه ۱۸ می‌بینیم، جایی که وقتی خداوند ارمیا نبی را فرا می‌خواند، می‌گوید: «من تو را شهری مستحکم، ستونی آهنین و دیواری برنزی خواهم ساخت. تو قادر خواهی بود در برابر هجوم دشمنان مقاومت کنی.» با این حال، در اینجا ممکن است دیوارهای اسرائیل را به صورت قلعی به تصویر بکشیم که به راحتی فرو می‌ریزد.

من در تدریس کتاب، به تفسیر سنتی پایبند خواهم ماند. من معتقدم که شاقول بهترین توضیح برای این کلمه غیرمعمول، ممکن است anak موضوع است، اما این یک احتمال جایگزین است. یکی از دلایلی که کلمه که کلمه‌ای برای عزاداری، anah است در اینجا استفاده شود، این است که تلفظ آن بسیار شبیه به کلمه است، می‌باشد.

ممکن است اینجا نوعی بازی با کلمات یا کنایه نبوی داشته باشیم که در آن عنق و عنه و سوگواری که قرار است هنگام تجربه تمام این مرگ و داوری خدا اتفاق بیفتد، ممکن است بخشی از این باشد. اینها سه رؤیای اول هستند. رؤیای آفت ملخ، خدا منصرف می‌شود.

در رؤیای آتش، خدا در داوری از میان آن عبور خواهد کرد. عاموس دعا می‌کند، خدا منصرف می‌شود. با این حال، در رؤیای سوم، خط شاقول کشیده شده است.

اسرائیل با معیارهای خدا مطابقت ندارد و چیزهایی که برای امنیت خود به آنها اعتماد کرده‌اند، کمکی به آنها نخواهد کرد. در میان این رؤیاها، ما یک میان‌پرده روایی در عاموس ۷، آیات ۱۰ تا ۱۷ داریم. همانطور که ما

به عنوان خوانندگان انگلیسی این را می‌خوانیم، اغلب نحوه ترکیب شعر و نثر در عهد عتیق برای ما عجیب به نظر می‌رسد.

اما ما تعدادی متن بسیار شناخته‌شده داریم که در آن‌ها نویسنده به دلایل بلاغی خاص، نثر و شعر را در کنار هم قرار می‌دهد. برای مثال، در خروج ۱۴ و ۱۵، روایتی منثور از فتح و شکست مصریان داریم. خداوند ارابه‌های آن‌ها را در دریا غرق می‌کند.

سپس ما یک تجلیل شاعرانه از آن نیز داریم. داوران فصل ۴ و ۵، هر دو روایتی روایی از پیروزی بنی‌اسرائیل در نبرد هستند، و سپس تجلیل شاعرانه‌ای از چگونگی استفاده خداوند از سربازان اسرائیل برای شکست دشمنانشان. شعر و نثر اغلب می‌توانند در کنار هم قرار گیرند.

در ارمیا ۳۰ و ۳۱، پیشگویی‌های شاعرانه‌ای که نوید بازسازی و بازگرداندن بخت و اقبال اسرائیل توسط خداوند را می‌دهند. در باب‌های ۳۲ و ۳۳، روایاتی که با این موضوع همراه هستند. بنابراین، این فقط به این سادگی نیست که بگوییم، بیایید یک داستان اینجا وارد کنیم.

هدف خاصی پشت این موضوع وجود دارد، و من فکر می‌کنم دلیل این روایت روایی در فصل‌های ۷، ۱۰ تا نشان دادن رد شدن کلام خداوند است. خدا عاموس را فراخوانده است تا برود و به اسرائیل موعظه، ۱۷ کند. در این میان، مجموعه‌ای از شرایط منحصر به فرد وجود داشت.

عاموس پیامبر نبود. او گله‌دار بود. به نظر می‌رسد که او زمین‌دار ثروتمندی بوده که دارای‌های زیادی از نظر دامداری داشته است.

او زمین‌های زیادی داشت که برای پرورش انجیر چنار استفاده می‌شد. اما در این میان، خدا او را فراخواند تا این کار غیرمعمول را انجام دهد، جایی که او از مرز عبور کرد و برای موعظه به اسرائیل رفت. اما وقتی او برای موعظه به آنجا می‌رود، ما همان پاسخی را دریافت می‌کنیم که از طریق این کاهن به نام آمازیا به پیام او داده شد.

و امصیا به او می‌گوید، ببین، ما به اندازه کافی موعظه‌های تو را شنیده‌ایم. دیگر نمی‌خواهیم اینجا بمانی. از موعظه علیه حرم پادشاه دست بردار.

دیگر هرگز در بیت‌ئیل نبوت نکن و به خانه‌ات برگرد. این رد رسمی کلام عاموس است. و بنابراین، در نتیجه‌ی این، وقتی کلام نبوی رد می‌شود، فرصت توبه‌ای که واقعاً وجود داشت، سایه‌ای از کارهایی بود که خدا قرار بود انجام دهد.

وقتی خداوند داشت بلای ملخ و آتش را نازل می‌کرد، او کوتاه آمد. اما وقتی من و آمازیا فکر می‌کنیم مردم در نهایت می‌گوئیم که ما نمی‌خواهیم هیچ ارتباطی با پیام عاموس داشته باشیم. ما می‌خواهیم شما به خانه برگردید.

این سرنوشت آنها را رقم می‌زند. در نتیجه، رؤیاهایی که می‌بینیم، رؤیای ۳، خط آلو، رؤیای ۴ و رؤیای ۵ همگی درباره داورای صحبت می‌کنند که در این مرحله، غیرقابل برگشت شده است. در فصل ۸، رؤیای ۴. رؤیایی از یک سبد میوه تابستانی است.

و ممکن است فکر کنید، خب، رؤیای یک سبد میوه تابستانی چه ارتباطی با داوری خدا دارد؟ کلاس هنرم را به یاد دارم. ما سبدهایی از میوه‌های تابستانی را نقاشی می‌کردیم. خب، اینجا چه اتفاقی می‌افتد؟ خب، اینجا یک بازی با کلمات در رؤیا وجود دارد که هم به صورت شفاهی و هم بصری پیام داوری را منتقل می‌کند.

فصل ۸، آیه ۱ این را می‌گوید: این چیزی است که خداوند خدا به من نشان داد. اینک سبدی از میوه تابستانی. و خداوند به عاموس گفت، چه می‌بینی؟ و من گفتم، سبدی از میوه تابستانی.

سپس خداوند به من گفت، اهمیت این موضوع در این است: پایان بر قوم من، اسرائیل، فرا رسیده است. من دیگر هرگز از آنها نخواهم گذشت. به یاد داشته باشید که این در رؤیای ۳ نیز بود.

خداوند می‌گوید: در آن روز سرودهای معبد به ناله تبدیل خواهد شد. اجساد مردگان بسیار خواهد بود و آنها در همه جا پراکنده‌اند.

سکوت. خب، چیزی که برای ما نسبتاً بی‌ضرر به نظر می‌رسد، یک سبد میوه تابستانی؟ این پیام شوم مرگ و نابودی است که بر سرزمین اسرائیل نازل می‌شود. اینجا چه خبر است؟ خب، چیزی که باید ببینیم این است. است qaitz که کلمه عبری برای میوه تابستانی کلمه

و سپس کلمه‌ای که برای صحبت در مورد پایانی که قرار است بر اسرائیل بیاید استفاده می‌شود، کلمه قیطس «است. و بنابراین، سبد «قیطس»، میوه تابستانی، نشان می‌دهد که «قیطس»، پایان، بر» اسرائیل آمده است. کلمه «پایان» در رؤیای شاقول نیز به کار رفته است.

و خداوند می‌گوید که من قوم خود را به پایان خواهم رساند. دیگر هرگز از کنار آنها نخواهم گذشت. و بنابراین، آنچه در اینجا اتفاق می‌افتد این است که اسرائیل در پایان تاریخ خود قرار دارد و اکنون خدا در شرف داوری آنهاست.

برداشت میوه‌های تابستانی آخرین رویداد سال کشاورزی برای قوم اسرائیل بود. اکنون این آخرین رویداد قبل از نابودی قومش توسط خدا است و خداوند قرار است آنها را به خاطر بی‌عدالتی و گناهان فراوانی که علیه یکدیگر مرتکب شده‌اند، داوری کند. عاموس ۸:۱۱ با رد کلام نبوی توسط آنها، می‌گوید: «اینک، روزهایی فرا می‌رسد، خداوند اعلام می‌کند که قحطی را در این سرزمین خواهم فرستاد، نه قحطی نان و نه تشنگی آب.» بلکه قحطی شنیدن کلام خدا

یکی از راه‌هایی که خداوند نافرمانی از کلام خدا را مجازات می‌کند این است که فرصت شنیدن آن را از بین می‌برد. امصیا نمی‌خواست حرف‌های پیامبر را بشنود. در نهایت مردم هم نمی‌خواستند حرف‌های پیامبر را بشنوند، و بنابراین خداوند قحطی‌ای خواهد فرستاد که در نهایت کلام خدا را از مردم خواهد گرفت.

رؤیای آخر، و تصویری بسیار ویرانگر که ما را به نوعی به انتهای این پیام می‌رساند، در رؤیای پنجم، که رؤیای فروریختن محراب است، یافت می‌شود. این رؤیا چنین می‌گوید: خداوند را دیدم که در کنار قربانگاه ایستاده بود و گفت: «پایتخت‌ها را بزنید تا آستانه‌ها بلرزند، و آنها را بر سر همه مردم خرد کنید، و کسانی را که از آنها باقی می‌مانند با شمشیر خواهم کشت. هیچ یک از آنها فرار نخواهد کرد، و هیچ یک از آنها «قادر نخواهد بود از داوری که در راه است، فرار کند».

من فکر می‌کنم دلایل مختلفی وجود دارد که چرا رؤیای فروریختن معبد، راهی بسیار مؤثر برای ارائه خلاصه‌ای از پیام داوری عاموس است. اولاً، به یاد داشته باشید که عاموس در اسرائیل موعظه می‌کرد؛ فصل ۱، آیه ۱ به ما می‌گوید، دو سال قبل از زلزله. و بنابراین، آنچه ما در اینجا با تکان خوردن پایتخت‌ها

افتادن بر سر مردم، و آمدن مرگ و ویرانی توسط خدا بر سرزمین تصور می‌کنیم، این دوباره داوری را به صورت یک زلزله به تصویر می‌کشد.

زلزله نماد ویرانی بیشتری بود که خداوند هنگام کشتن مردم با شمشیری که آشوریان آورده بودند، به بار خواهد آورد. دومین نکته‌ی مؤثر در این مورد این است که در سراسر کتاب عاموس، پیامبر آنها را به خاطر رفتن به معابدشان در مکان‌هایی مانند جلجال، بئرشبع و بیت‌ئیل و تصور اینکه آیین‌هایشان می‌تواند آنها را نجات دهد، محکوم کرد.

پناهگاه نوعی مخفیگاه است، پناهگاه است، پناهگاه بمب است. می‌توانیم به آنجا برویم و مطمئن باشیم که در امان خواهیم بود. با این حال، خود پناهگاه به عنوان چیزی که در اوایل فصل ۹ در حال فروپاشی است، تصویر شده است. آن پناهگاه‌ها از آنها محافظت نخواهند کرد.

و من فکر می‌کنم ایده دیگری که اینجا مطرح می‌شود این است که این داوری چنان شدید و گسترده خواهد بود که در نهایت هیچ راهی برای اجتناب از آن وجود نخواهد داشت. و این همان چیزی است که در آیات ۳ و ۲ بیان شده است. آنها می‌توانند به شئول، به اعماق زمین، فرو روند، اما دست من آنها را خواهد آورد. گرفت. آنها می‌توانند به آسمان‌ها صعود کنند، اما من آنها را از آنجا پایین خواهم آورد.

چیزی که ما آنجا داریم چیزی است که ما آن را مریسم می‌نامیم. در بلندترین ارتفاع، در عمیق‌ترین عمق، می‌توانند به شئول بروند، از داوری خدا فرار نخواهند کرد. می‌توانند به آسمان صعود کنند، نمی‌توانند از خدا فرار کنند یا اجتناب کنند.

اگر خود را در بالای کوه کرمل پنهان کنند، آنها را جستجو کرده و خواهم گرفت. با این حال، اگر آنها همچنین سعی کنند از دید من در ته دریا، که یک مریسم دیگر است، پنهان شوند، خداوند در نهایت آنها را نابود خواهد کرد. آنها قادر نخواهند بود از این داوری اجتناب کنند.

بسیار خوب، در پایان پیام داوری عاموس، بالاخره چیزی داریم که به پیام امید منتهی می‌شود. اما من فقط می‌خواهم دو آیه آخر بخش داوری در فصل ۹، آیات ۹ و ۱۰ را بخوانم. زیرا اینک، من فرمان خواهم داد و خاندان اسرائیل را در میان ملت‌ها تکان خواهم داد، همانطور که کسی با الکتان می‌دهد، اما هیچ سنگریزه‌ای به زمین نخواهد افتاد.

همه گناهکاران قوم من که می‌گویند بلا بر ما نازل نخواهد شد، با شمشیر خواهند مرد. بنابراین، تقریباً، متوجه منظور می‌شویم، این یک نابودی کامل است، یک نابودی کامل است. هیچ بازمانده‌ای وجود ندارد. هیچ امیدی نیست.

این افراد همگی گناهکاران این سرزمین هستند، اما در این میان، در پایان این پیام، ما امیدی داریم. در نهایت، پس از این پیام بی‌وقفه داوری، داوری و داوری در نه فصل، پیامی امیدبخش برای ما در عاموس، فصل ۹ آیات ۱۱ تا ۱۵ وجود دارد. و من فقط این متن را می‌خوانم زیرا مهم است که این را در برابر تمام چیزهای وحشتناکی که خوانده‌ایم و خدا آماده انجام آنها بوده است، متعادل کنیم.

در آن روز، خیمه داوود را که افتاده است، برپا خواهم کرد و شکاف‌هایش را تعمیر خواهم نمود ویرانه‌هایش را برپا خواهم کرد و آن را مانند ایام قدیم از نو خواهم ساخت تا باقی‌مانده ادوم و همه امت‌هایی که به نام من نامیده می‌شوند را به تصرف خود درآورند، خداوند که این را انجام می‌دهد، می‌گوید: اینک روزهایی فرا می‌رسد، خداوند می‌گوید: که شخم‌زن به دروگر و به کسی که انگور را پایمال می‌کند و به کسی که دانه می‌پاشد، خواهد رسید.

، کوه‌ها از شراب شیرین خواهند چکید و تمام تپه‌ها به سوی آن روان خواهند شد. من سعادت قوم خود اسرائیل، را باز خواهم گرداند و آنها شهرهای ویران شده را بازسازی کرده و در آنها ساکن خواهند شد. آنها تاکستان‌ها غرس کرده و شراب آنها را خواهند نوشید.

آنها باغ‌ها خواهند ساخت و میوه‌هایشان را خواهند خورد. من آنها را در سرزمینشان خواهم کاشت و دیگر هرگز از سرزمینی که به آنها داده‌ام، ریشه‌کن نخواهند شد، این فرموده‌ی خداوند، خدای شماس است. پس پس از اجرای داوری، بازگشتی [به سرزمین‌هایشان] خواهد بود.

خداوند قوم خود را به سرزمین موعود باز خواهد گرداند. خداوند سلسله داوود را احیا خواهد کرد. توجه داشته باشید که این فراتر از داوری اسرائیل است و در نهایت حتی بر سقوط یهودا نیز تمرکز دارد.

عاموس این را به طور نبوی می‌بیند. و وقتی اسرائیل به سرزمین خود بازگردد، به جای اینکه توسط دشمنانشان ویران شود، به جای اینکه ملخ‌ها محصولاتشان را بخورند، به جای اینکه خداوند خشکسالی و آفت و کپک بفرستد، و تمام چیزهایی که او در ادامه کتاب به آنها هشدار داده است، وعده داده شده است که رونق کشاورزی باورنکردنی خواهد بود. حال، همانطور که به این وعده نگاه می‌کنیم، می‌خواهم به شما یادآوری کنم که آنچه محققان منتقد اغلب در مورد این قسمت‌ها گفته‌اند این است که اینها اغلب نسخه‌های بعدی ویراستاران و ویراستارانی هستند که به نوعی سعی در ارائه امید به مردم و تعدیل صراحت پیام نبوی داشته‌اند.

یکی از مشکلات و یکی از مسائلی که من با آن دارم این است که می‌بینیم نقش پیامبران، هر کتاب نبوی که در عهد عتیق داریم، شامل داوری و رستگاری است. بنابراین فکر می‌کنم این فرض که پیامبران فقط داوری را موعظه می‌کردند و پیامی از امید مانند این، ناپجا بوده است. فکر می‌کنم این فرضی است که نیاز به تفکر چالش‌برانگیز دارد. ما همچنین متوجه شده‌ایم که تحقیقات انتقادی اولیه، تمایز قاطعی بین سخنان اصلی پیامبر و این نسخه‌های بعدی یا اصلاحات ویرایشی که بر متن انجام شده است، قائل می‌شوند.

با این حال، تأکید و حتی اذعان تعدادی از محققان منتقد نیز وجود داشته است که ما باید با متن اصلی به همان شکلی که هست برخورد کنیم. تمایز بین پیامبر اصلی و ویراستار بعدی ممکن است چندان مهم نباشد زیرا متن اصلی، پیام معتبر، هر دوی آنها را شامل می‌شود. من معتقدم که در فرآیند کتابت، خداوند از طریق کلام اصلی پیامبر سخن گفته است، خداوند از طریق پیامبر هنگام نگارش پیام سخن گفته است، و ممکن است خداوند از طریق سخنان ویراستارانی که این کتاب‌ها را به شکل نهایی و قانونی که امروزه داریم، شکل داده‌اند نیز سخن گفته باشد.

و بنابراین، اینکه آیا باید بین سخنان اصلی پیامبر یا سخنان بعدی یک ویراستار تمایز قائل شویم، در نهایت مسئله‌ی مهمی نیست، زیرا خداوند الهام‌بخش کل این فرآیند است. هیچ چیز مغایرتی با این ایده که خود پیامبر این نوع پیام‌ها را موعظه کرده است، وجود ندارد. برخی استدلال می‌کنند که خب، این متن در مورد سقوط خاندان داوود و تبعید نهایی یهودا صحبت می‌کند.

اگر باور داشته باشیم که خدا به صورت نبوی با عاموس ارتباط برقرار می‌کرد، مشکلی نیست که عاموس در قرن هشتم شاهد این اتفاق بوده باشد. یهودا نیز کم‌کم اثرات بحران آشور را احساس می‌کرد. این چیز تعجب‌آوری نیست.

این ایده که یک ویراستار ممکن است برخی از پیام‌های بعدی عاموس را روشن کرده و به ما کمک کرده باشد تا ببینیم که این پیام‌ها هم برای اسرائیل و هم برای یهودا صدق می‌کند، نیز یک احتمال است. یکی دیگر از

مواردی که باید در نظر داشته باشیم این است که ماهیت عهد خدا را به یاد داشته باشیم، همانطور که در خروج ۳۴، آیات ۶ و ۷ خلاصه شده است، این است که خدا شایسته شرف، خدای محتاط، خدایی است که دیرخشم است و گناهان خود را می‌بخشد و آن رحمت را به هزاران نسل نشان می‌دهد. او همچنین خدایی است، خروج ۳۴، ۷، که گناهکاران را عفو نمی‌کند و آنها را پاسخگو می‌داند و حتی در شرایط خاص، گناهان پدران را بر فرزندان نشان مجازات می‌کند.

این دو جنبه دوگانه از شخصیت خداوند هستند. این واقعیت که پیامبران سخنگویان خداوند هستند، نباید ما را متعجب کند که آنها بر هر دوی این موارد تأکید دارند. هیچ چیز مغایرتی با پیامبری مانند عاموس ندارد که این پیام بی‌وقفه داوری را موعظه کند، اما در عین حال سخنان امیدبخشی را نیز به مردم ارائه دهد.

این بدان معنا نیست که عاموس هر پیامی را که موعظه می‌کرد با وعده امید به پایان می‌رساند. تو از دهان شیر بیرون کشیده خواهی شد و چیزی جز کمی دم، یک گوش و یک پا از تو باقی نخواهد ماند. اما نگران نباش، خدا در نهایت تو را به حالت اول باز خواهد گرداند.

اما در برهه‌ای از رسالت پیامبر، برای او مهم بود که تعهد خدا به وعده‌های عهد خود را به مردم یادآوری کند. و هیچ تناقضی وجود ندارد، یا دلیلی وجود ندارد که فوراً فرض کنیم که خدا نمی‌توانسته این را به عاموس وحی کند. خدا به نوعی تاریخ اسرائیل را قبل از اینکه واقعاً اتفاق بیفتد، به موسی، به عنوان پیامبر اصلی اسرائیل، وحی کرده بود.

و می‌خواهم به شما یادآوری کنم که آن تاریخ چه چیزی را در بر داشت و آن تاریخ در تثنیه فصل ۳۰ چه چیزی را در بر داشت. او می‌گوید، تثنیه ۳۰، موسی تشخیص می‌دهد که آنها اطاعت نخواهند کرد، آنها از خداوند پیروی نخواهند کرد، آنها از سرزمین رانده خواهند شد. اما وقتی این اتفاق بیفتد، و مردم به سوی خداوند، خدای شما، بازگردند، و شما و فرزندانان از صدای او و هر آنچه که من با تمام وجود به شما فرمان می‌دهم، اطاعت کنید، خداوند بخت شما را باز خواهد گرداند و بر شما رحم خواهد کرد.

و موسی در ادامه می‌گوید وقتی آنها به سرزمینی که از آن رانده شده‌اند بازمی‌گردند. موسی به عنوان یک پیامبر، تاریخ اسرائیل را قبل از وقوع آن می‌داند. و بنابراین، برای ما متناقض نیست که فکر کنیم همانطور که خدا آینده را برای عاموس آشکار کرد و آنچه را که خدا برای مردم یهودا آماده می‌کرد و آنچه را که خدا قرار بود با مردم یهودا و اسرائیل انجام دهد، برای عاموس نیز قابل درک بود، برای این ایده که عاموس می‌تواند هم پیام داوری بی‌رحمانه را موعظه کند و هم وعده امید پایدار را به ما بدهد، غیرقابل تصور نیست.

حال می‌خواهم این پیام را در پرتو الهیات عهد عتیق درک کنیم. در فصل ۳۲ آیه ۱۱ آمده است: در آن روز، خیمه داوود را که افتاده است، برپا خواهیم کرد. خدا خاندان داوود را احیا خواهد کرد.

خداوند در نهایت به وعده‌های عهد خود با پادشاهی داوود عمل خواهد کرد، زیرا خداوند خانه داوود را بازسازی خواهد کرد. و اگرچه پادشاهی داوود در نهایت به یک پناهگاه ویران تبدیل خواهد شد، اما آنها قبلاً به نوعی آن را تجربه کرده‌اند. ده قبیله عقب‌نشینی کرده‌اند.

اگرچه خاندان داوود در نهایت بی‌آبرو و بی‌آبرو خواهد شد و به خیمه‌ای فروریخته تبدیل خواهد شد، اما خداوند آن را احیا خواهد کرد. خداوند همچنین در آیه ۱۲ وعده می‌دهد که خاندان داوود را احیا خواهد کرد تا بار دیگر پادشاه داوود به یک رهبر نظامی قدرتمند تبدیل شود. و بنابراین در نهایت، ما مشتاقانه منتظر حکومت و سلطنت مسیح هستیم.

و آیه ۱۲ می‌گوید که با احیای این سلطه چه اتفاقی خواهد افتاد، تا آنها بتوانند بقایای ادوم را تصرف کنند. خداوند به پادشاه آینده از نسل داوود، وعده یک سلسله و سپس سلطه بر دشمنانش را می‌دهد. و این با وعده‌های مسیحایی که در سراسر عهد عتیق می‌بینیم، مطابقت دارد.

در فصل ۴۹ سفر پیدایش، هنگامی که یعقوب پسرانش را برکت می‌دهد و به یهودا وعده سلطنت می‌دهد، یهودا، برادرانت، تو را ستایش خواهند کرد. دست تو بر گردن دشمنانت خواهد بود. پسران پدرت در برابر تو تعظیم خواهند کرد.

در آیه ۱۰، عصا از یهودا و عصای فرمانروایی از میان پاهایش جدا نخواهد شد تا زمانی که خراج فرا رسد، و اطاعت همه ملت‌ها از آن او خواهد بود. در همان ابتدا، خداوند به یهودا و قبیله‌اش وعده سلطنت و سلسله‌ای می‌دهد که شامل تسلط بر ملت‌ها خواهد بود. اولین تحقق آن در داوود است.

تحقق نهایی آن در عیسی مسیح است. فصل ۲۴ از سفر اعداد، یکی دیگر از متون مهم مسیحایی در توسعه آموزه و درک مسیح در عهد عتیق است. بلعام، این مردی که برای نفرین کردن قوم اسرائیل استخدام شده است، در عوض، هر بار که دهانش را باز می‌کند، برکتی از او بیرون می‌آید.

و این برکتی است که در اعداد ۲۴:۱۷ به اسرائیل داده شده است. ستاره‌ای از یعقوب طلوع خواهد کرد و عصایی از اسرائیل طلوع خواهد کرد. ما در مورد پادشاهی صحبت می‌کنیم که قرار است ظهور کند.

و پیشانی مواب را خواهد شکست و همه پسران بشت را خواهد شکست و آدوم از تصرف آنها خارج خواهد شد.

دشمنانش، سعیر، نیز مغلوب خواهند شد. اسرائیل با شجاعت عمل می‌کند و کسی از یعقوب بر شهر مسلط خواهد شد و بازماندگان آن را نابود خواهد کرد. بلعام می‌گوید: «هی، من نمی‌توانم این مردم را نفرین کنم.»

هر بار که دهانم را باز می‌کنم، خدا می‌خواهد آنها را برکت دهد. در نهایت، خدا پادشاهی را در اسرائیل برخواید انگیزت که بر دشمنانش حکومت خواهد کرد و سلطنت خواهد نمود. یکی از افرادی که در آنجا ذکر شده است، ادوم و سعیر هستند؛ آنها نوادگان عیسو هستند.

و بنابراین، داوود، هنگامی که در دوم سموئیل فصل ۸، آیات ۱۱ و ۱۲ به قدرت می‌رسد، یکی از مردمی که او مطیع می‌کند، یعنی ادومی‌ها. داوود تحقق نهایی پیدایش ۴۹ و اعداد ۲۴ است. مسیح، پادشاه آینده از نسل داوود، تحقق نهایی آنچه در اینجا وعده داده شده است، می‌باشد.

در سلسله داوود، خدا وعده داده بود که آن خانه را برپا کند، اما همچنین گفته بود، اگر پسرانت نافرمانی کنند، آنها را مجازات خواهم کرد. به همین دلیل، خانه داوود مانند یک خیمه ویران و فرو ریخته شده بود قطعاً شکوه و قدرت خود را از دست داده بود، اما این متن وعده می‌دهد که در نهایت، خدا آن را احیا خواهد کرد.

دومین چیزی که بخشی از این وعده است، فقط وعده‌ای به خاندان داوود نیست، بلکه در نهایت وعده‌ای برای همه مردم در آیات ۱۳ تا ۱۵ وجود دارد. و این متن می‌گوید که در آینده، هنگامی که قوم خود را بازگردانم، شخم‌زن از دروگر، کسی که انگور را پایمال می‌کند، و کسی که دانه می‌پاشد، پیشی خواهد گرفت. خداوند وعده می‌دهد که نعمت کشاورزی باورنکردنی را که قرار بود از زمان هدایت اسرائیل به سرزمین موعود از آن بهره‌مند شوند، به آنها بازگرداند.

این سرزمینی بود که شیر و عسل در آن جاری بود. خدا می‌خواست آنها را به طرق باورنکردنی برکت دهد. این وعده‌ای است که روزی آنها آن را تجربه خواهند کرد.

از نظر شاعرانه، این خطوط به عنوان یک ساختار کیاستیک در اینجا ترسیم شده‌اند تا به ما نشان دهند که آنها برداشت یک محصول را قبل از شروع کاشت محصول دیگر به پایان نمی‌رسانند. به خطوط اینجا نگاه کنید. شخم‌زن، که فعالیت کاشت است، از دروگر، که فعالیت برداشت است، پیشی خواهد گرفت.

اما در ردیف دوم، کسی که انگور را پارو می‌کند، که یک فعالیت برداشت است، از کسی که دانه را می‌پاشد پیشی خواهد گرفت. و بنابراین، آنها در برداشت خود از نعمت‌های زیادی برخوردار خواهند بود. آنها قبل از شروع فصل کشاورزی دیگر، با یک برداشت محصول، کارشان تمام نمی‌شود.

یک تصویر حتی بهتر. کوه‌ها شراب شیرین خواهند چکید و تپه‌ها با آن جاری خواهند شد. بنابراین رودخانه‌هایی از شراب از میان تپه‌ها جاری خواهد شد.

این حتی از شیر و عسلی که در زمین جاری است، بهتر است. نعمت و لذت و برکتی باورنکردنی از جانب خدا. خدا به وعده‌های عهد خود عمل خواهد کرد.

خداوند می‌گوید: شهرها و مکان‌هایی که ویران شده‌اند، من سعادت قوم خود، اسرائیل، را باز خواهم گرداند. آنها شهرهای ویران شده را بازسازی کرده و در آنها ساکن خواهند شد. تاکستان‌ها غرس کرده و شراب آنها را خواهند نوشید.

آنها باغ‌هایی خواهند ساخت و میوه‌هایشان را خواهند خورد. من آنها را در سرزمینشان خواهم کاشت و دیگر هرگز از سرزمینی که به آنها داده‌ام، ریشه‌کن نخواهند شد، این گفته‌ی خداوند، خدای شماست. بنابراین، شرایط تبعید برعکس خواهد شد.

خداوند قرار است بخت و اقبال قوم اسرائیل را احیا کند. و بنابراین، این وعده در اینجا با دیدگاه آخرالزمانی که در سراسر انبیای عهد عتیق داریم، سازگار است که داوری، کلام آخر نیست و در نهایت، آنچه این احیایی که خداوند در آینده وعده داده است و او درباره روزهای آخر صحبت می‌کند، این است که این احیایی که در آینده اتفاق می‌افتد، تحقق تمام وعده‌های عهدی را که خداوند به اسرائیل داده است، به ارمغان خواهد آورد. کاری که می‌خواهم در جلسات بعدی انجام دهم، همانطور که در مورد پیشگویی‌های انبیای کوچک که به آینده آخرالزمانی می‌پردازند صحبت می‌کنیم، این است که این متون عهد عتیق و معنای آنها را در متن عهد عتیق آنها در نظر بگیرم و به ما کمک کنم تا کمی کامل‌تر بفهمیم منظور ما از نگاه به این متون در پرتو عهد جدید چیست.

وقتی پیامبر درباره روزهای آخر صحبت می‌کند، این با توجه به عهد جدید به چه معناست؟ و آنچه در عهد جدید خواهیم دید این است که روزهای آخر صرفاً به زمان قبل از آمدن دوم اشاره نمی‌کنند. آنها فقط به زمان روز خداوند و مصیبت بزرگ اشاره نمی‌کنند. بلکه روزهای آخر درباره چیزی صحبت می‌کنند که با آمدن اول عیسی آغاز شده است.

و مردم اغلب این سوال را می‌پرسند که منظور ما از روزهای آخر چیست؟ آیا ما در روزهای آخر زندگی می‌کنیم؟ آنها واقعاً می‌خواهند بدانند که آیا عیسی به زودی بازمی‌گردد یا خیر. اما دیدگاه عهد جدید این است که روزهای آخری که در انبیای عهد عتیق وعده داده شده، از قبل آغاز شده‌اند. و در مورد برکاتی که پیامبر قرار است در مورد آنها صحبت کند، یک جنبه اکنون و یک جنبه هنوز نرسیده وجود دارد. به نوعی

روزهای آخر، روزهایی که در راه است و انبیا در مورد آنها صحبت می‌کنند، آن روزهای آخر زمانی آغاز شدند که اسرائیل به سرزمین خود بازگردانده شد.

و به طور موقت، آنها شروع به تجربه برکاتی کردند که خداوند به آنها وعده داده بود. با این حال، آنها به طور کامل به سوی خداوند بازنگشته بودند و بنابراین آن برکات به طور کامل تجربه نشدند. به شکلی بزرگتر و چشمگیرتر، برکات آخرالزمان با آمدن اولیه عیسی از راه می‌رسند.

همانطور که به نحوه نقل قول از باب ۹ عاموس در کتاب اعمال رسولان نگاه می‌کنیم، یعقوب از این متن برای صحبت در مورد شمول غیریهودیان در قوم خدا استفاده می‌کند. آنچه عاموس در آن زمان در مورد سلطنت و تصرف این ملت‌ها توسط پادشاه داوود و نامیدن ملت‌ها به نام او وعده داده بود، یعقوب می‌گوید که این وعده با توضیح انجیل و موعظه آن به غیریهودیان توسط پولس و سیلاس، این مبلغان مسیحی، برای غیریهودیان و ورود غیریهودیان به پادشاهی، در حال تحقق است. این تحقق چیزی است که عاموس در مورد آن صحبت می‌کند.

اما تکمیل این الگو در زمان ظهور مجدد عیسی اتفاق می‌افتد، زمانی که وعده‌های عهدی که خدا داده است به طور کامل تحقق می‌یابند. قوم عهد جدید خدا به طور کامل شکل می‌گیرند. اسرائیل به جایگاه برکت خود بازگردانده می‌شود و در نهایت خدا بر خلقت خود حکومت و سلطنت خواهد کرد و پادشاه داوود سلطه خود را باز خواهد یافت تا بر همه چیز حکومت کند.

عاموس پیامی از داوری بی‌رحمانه را موعظه می‌کند، اما در پایان این، وعده‌ای از امید وجود دارد. ما به عنوان مسیحی، این را می‌خوانیم و متوجه می‌شویم که در نهایت، این وعده‌هایی که خداوند به اسرائیل، به قوم خدا و در نهایت به خود ملت‌ها می‌دهد که آنها در این پادشاهی گنجانده خواهند شد، در نهایت، می‌بینیم که این وعده‌ها برای ما در شخص عیسی مسیح محقق می‌شوند.

این دکتر گری یتس در مجموعه سخنرانی‌های خود در مورد پیامبران کوچک است. این جلسه 10، رؤیاهای داوری و وعده احیا، عاموس 7-9 است.